

آسیب‌شناسی چارچوب مطالعات کالبدی وقف در شهر اسلامی

محسن عسکری^{۱*}، آرش بغدادی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استادیار، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۵

چکیده

وقف به عنوان یکی از سنت‌های حسنه در تعالیم اسلامی، مورد توجه رشته‌های مختلف علمی برای شناخت و کاربرد آن بوده است. با این وجود، کوشش‌های فکری صورت گرفته در دو حوزه دانش معماری و شهرسازی، نشانگر وجود اشکال‌ها و آسیب‌هایی است که خود سبب آن شده است که تا کنون مفهوم وقف در نظریه و در بخش کاربردی آن یعنی در عمل پیشرفت جدی نداشته باشد. این مقاله با نگاهی متفاوت از مجموعه مطالعات موجود، این موضوع را هدف مطالعه قرار داده است. این پژوهش به کمک روش تحقیق کیفی و ابزار تحلیل اسنادی صورت گرفته است. راهبرد آسیب‌شناسی و رویکرد تحلیل انتقادی سازنده نیز مکمل روش‌شناسی مطالعه بوده است. بررسی عمیق مطالعات موجود وقف در ایران نشانگر وجود حداقل سه محور اصلی آسیب‌زا شامل نوع رویکرد، نوع روش و نوع نگرش در مطالعات است. استفاده از روش‌های توصیفی و اثباتی، نگرش‌های گذشته‌محور و موافق‌انگارانه با موضوع وقف و رویکردهای غیرخلاق، باز نمود این سه محور در مطالعات وقف است. یافته‌های حاصل از مطالعه نشان می‌دهد که به کمک آسیب‌زدایی از محورهای سه‌گانه می‌توان به پایه‌ریزی چارچوب فکری مستحکمی اقدام نمود تا ضمن شناسایی ریشه‌ای بن بست نظری مطالعات موجود، چالش‌های اجرایی وقف را نیز به کمک دو ویژگی اصلی کارآیی و انعطاف‌پذیری رفع کرد.

واژگان کلیدی: وقف، مطالعات کالبدی وقف، آسیب‌شناسی، تحلیل انتقادی.

مقدمه

وقف یکی از سنت‌های حسنه در تعالیم مذهبی و دین اسلام است. طبق آیات قرآن کریم و روایات اسلامی وقف یکی از باارزش‌ترین و نیکوترین مؤلفه‌های احسان و انفاق در راه خدا و خلق خدا است. البته در قرآن کریم به‌طور صریح از واژه وقف سخن به میان نیامده، ولی در آیات متعدّد و به‌ویژه در سوره بقره تحت واژگان و عناوینی چون احسان، انفاق، صدقه از آن به‌طور ضمنی یاد شده است. تأکید قرآن بر توزیع ثروت (Cizakca, 1998: 48) نیز ایده بسیار نزدیکی به وقف است. در این خصوص توجه به سنت و سیره نبی گرامی اسلام (ص) به عنوان مرجع معتبر و قابل استناد در تدوین مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۳-۱۴۷) و تأکید آن حضرت بر اهمیت مادی و معنوی وقف در جامعه (پاینده، ۱۳۷۶: ۱۸۳) (ابن الجوزی، ۱۳۵۹: ۲۲۶) قابل اعتنا است. به علاوه، اجماع و عقل نیز یکی از منابع اصلی ترویج وقف در جامعه بوده است (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۴). در هر حال اساس ماهیت وقف، ماندگارسازی است. ماندگارسازی به معنای حفظ ارزش معنوی هر مضمون به کمک ابزاری مادی در طی زمان است. در تعریفی دیگر، وقف به معنای اهدا و یا سازماندهی دینی است؛ به طوری که دارایی به شکل ماندگار نگهداری شود و درآمد آن صرف تخصیص اهداف خیریه، گروه‌ها و مردمانی خاص گردد (Akbar, 1988). این تعاریف کلان به شکل خرد، در ابعاد متفاوتی هم‌چون فقهی، حقوقی، قضایی، و یا اقتصادی قابل بازتعریف است. وقف در اصطلاح فقهی، عبارت است از این که شخصی عین مال خود را حبس دائم کند و منافع آن را شرعاً و به رایگان در اختیار تأسیسات، شخص یا اشخاص مخصوصی بگذارد (الکبسی، ۱۳۶۴: ۶۷). در نگاهی دیگر، وقف یکی از فعالیت‌ها و نهادهای مهم اقتصادی است که جنبه عام المنفعه دارد (Gaudiosi, 1988: 1231).

وقف در تمامی ادیان به اشکال مختلفی وجود داشته است. در ایران باستان، زرتشتیان بر اساس تعالیم کتاب اوستا، زمین‌های خود را برای ساخت آتشکده‌ها، در جهت ارائه خدمات به زائران و موارد مشابه وقف می‌کردند (اذکایی، ۱۳۸۱: ۹) (حاجی بابایی، ۱۳۸۵: ۶۸۵). یکی از این نمونه‌های وقف در سطح شهر تهران، قنات مهرگرد است که گفته می‌شود بانویی زرتشتی آن را احداث کرده است (عاملی و خورسندی آقایی، ۱۳۸۴: ۲). مطالعات اخیر نیز از حضور واقفان غیر مسلمان و پیروان سایر ادیان در جامعه اسلامی سخن رانده‌اند (Deguilhem, 2008: 944). نکته بسیار مهم در این زمینه آن است که چگونگی و نوع تجلّی این موقوفات در هر دوره‌ای از شرایط اجتماعی-اقتصادی و کالبدی حاکم بر آن جامعه تبعیت می‌کند. از این روست که وقف و موقوفات در هر دوره‌ای، در عین داشتن تشابه‌ها، ویژگی‌های منحصر به فردی نیز دارند (شاه‌حسینی، ۱۳۹۰: ۱۷). به عنوان مثال وقف و موقوفات

در شهر تهران در دوره قاجار بیش‌تر با هدف توسعه اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی شکل گرفته بود؛ در حالی که در دوره پهلوی، توسعه اجتماعی تأکید غالب داشت (پیشین: ۳۱). در دوره قاجار به دلیل نقش و اهمیت بازار در اقتصاد شهر تهران، مکان‌های وقفی در بازار و اطراف آن قرار داشتند، ولی در دوره پهلوی به دلیل گسترش خیابان‌ها و کاهش نقش بازار، پخشایش اماکن وقفی در کل سطح شهر شکل گرفت (شاه‌حسینی، ۱۳۷۵: ۱۳۳).

بیان مسأله

نهاد وقف که تحت لوای مدیریت سرمایه‌های اهدا شده، نقش مهمی در مدیریت شهرهای مسلمانان و اثرات عمیقی در شکل‌دهی ساختار شهری آنان داشته است (Leeuwen, 1999). حضور وقف در جامعه اسلامی در طول تاریخ مشهود بوده و سبب شکل‌گیری منظر اسلامی به‌ویژه در شهرهای منتسب به آن شده است. در ایران، وقف در دوره‌های زمانی و تاریخی دارای نقش و کارکردهای متفاوتی و به‌ویژه پس از اسلام بوده است (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۶). این حضور در دوره‌های خاصی مانند دوره صفویه به عنوان ادوار طلایی وقف در ایران شناخته می‌شود (شفقی، ۱۳۷۶: ۳۲) و دارای رونق و شکوفایی محسوسی بوده است (نوایی و احمدی، ۱۳۸۱: ۲۲). سنت وقف از ارزش‌های جهان‌بینی دینی و مذهبی است که نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری ساخت فضایی شهرهای دوره اسلامی (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۰-۱۳۹) و به‌ویژه بر شهرهای مذهبی ایران همانند مشهد و قم (کلاتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۷) داشته است. نظام وقف، نه تنها موجب ساخت و ایجاد بسیاری از فضاها و عناصر با ارزش شهرها بوده، بلکه ارتباط و پیوند معنوی و نزدیک موقوف با امور دینی و مذهبی سبب ماندگاری و پایداری فضاهای شهری موقوفه در طی زمان شده است (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۵). بنای تاج محل در هندوستان، دانشگاه الازهر در مصر، مسجد الاقصی در بیت المقدس (Sait and lim, 2006: 147) عمارت عالی قابو در اصفهان (مهرافزون و دارایش، ۱۳۹۲: ۱۰۹) و مجموعه ربع رشیدی دوره تاریخی ایلخانیان در شهر تبریز (Pirbabaei, 2008: 5) از جمله این آثار ارزش‌مند وقفی در فرایند توسعه شهرهای اسلامی و در طول تاریخ هستند. با این وجود، باید توجه داشت که حضور وقف در شهرها و تجلّی آن به عنوان میراث ارزش‌مند تاریخی با رویکرد مذهبی، در فراخور زمان و مکان شکل گرفته و در طول تاریخ، تحولات کارکردی گوناگونی را سپری کرده است. بررسی اهمیت این کارکردها به‌ویژه در دو قرن اخیر در ایران، یکی در ابتدای قرن بیستم به جهت شکل‌گیری نهاد نوین دولت و نقش آن در تأمین نیازهای عمومی شهری به عنوان رقیبی برای وقف و دیگری در قرن بیست و یکم به جهت پیچیدگی بیش‌تر سازمانی در تأمین نیازهای خدمات شهری و فراموشی احتمالی

وقف از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این بین، این پژوهش‌ها و تحقیقات علمی هستند که شکل‌گیری جریان موجود سنت وقف را در جامعه رصد کرده و می‌توانند جهت‌گیری‌های موجود و سیر حرکتی دقیق پدیده را ترسیم و با فهم دقیق معنایی موضوع، جهت‌های آتی آن را ارائه نمایند. نظر به ارتباط مستقیم این مطالعات بر تولید دانش و اثرگذاری غیر مستقیم آن بر جریان‌ها و هدایت کنشگری وقف در سطح جامعه، بررسی، مذاقه و بازبینی این جریان‌های علمی الزامی است. اساساً مطالعات شهرهای اسلامی علاوه بر کم بودن تعدادشان به نسبت مفهوم مدرن شهر از کمبودها و اشکالات درونی رنج می‌برد. این نارسایی‌ها به عنوان آسیب‌هایی مطرح هستند که در طول زمان اثرات منفی بر چیستی و هستی‌شناسی و مطالعات معرفت‌شناختی حاکم بر آن گذاشته است؛ نتایج معدود مطالعات صورت گرفته اخیر نیز مؤید این ادعاست. فلاح (۱۳۹۰) این آسیب‌ها را در نبود نگرش‌ها و نظریه‌پردازی‌های نو در مفهوم شهر اسلامی دنبال نموده است که نقطه عطف آن را به انتقاد از پیش‌انگاشت‌های مسلم در دوره‌های پیشین و به چالش نکشیدن گفتمان رایج غربی می‌داند. هم‌چنین آن مطالعه، تعریف افق‌های نوین و نقشی فعال در بازخوانی تاریخی این مفهوم را گوشزد نموده است. در مطالعه‌ای دیگر، تک‌بعدی‌نگری، فقدان تحلیل و تعمق، وجود برداشت‌های غلط و رویکردهای توصیفی و مقطعی و نگاه مقدس‌مآبانه و بدون خطا به مفهوم شهر اسلامی بخشی مهم از آسیب‌های مطالعات شهرهای اسلامی توسط متفکران ایرانی و اسلامی گزارش شده است (زبیری و دیگران، ۱۳۹۳). در خصوص مطالعات وقف، ماهیت موضوعی مسأله، متفاوت از مطالعات مفهوم شهر اسلامی است. در واقع مطالعات وقف، همانند مطالعات شهرهای اسلامی در عدم بلوغ با یکدیگر مشترک و در جزئیات متفاوت هستند. با وجود تمامی این شواهد عینی و ذهنی، وقف در شهرها و اهمیت بنیادین این موضوع، مطالعات متعدّد موجود داخلی، تاکنون چندان توجه عمیقی به این آسیب‌ها نداشته‌اند. به عنوان مثال، مجموعه دانش نظری جدید تولید شده وقف در دیگر کشورها اعم از آرای موافق و مخالف در متون داخلی وقف در ایران مشاهده نمی‌شود و لذا خلاء جدی در این خصوص وجود دارد. این موضوع به تدریج سبب ضعف توان رویارویی با سایر اندیشه‌های مطرح در این زمینه شده و در مجموع توان تبیینی موضوعی وقف را به ویژه در برخورد با آرای مخالف آن کاهش می‌دهد. با این حال، تعدّد مطالعات وقف در ایران از نبود تنوع در شکل‌دهی و ساختار و هم‌چنین جهت‌گیری مطالعات رنج می‌برد. به طوری که در حال حاضر، مجموعه مطالعات داخلی مرتبط با وقف بیش‌تر دربردارنده تحلیل‌های اثباتی تاریخی-توصیفی گذشته‌نگر هستند و به دلیل عدم نگاه به تجارب و اندیشه‌های جدید مطرح شده در این حوزه، حداکثر بازه زمانی پوشش موضوعی وقف را تا ابتدای قرن بیستم

دنبال نموده‌اند. بنابراین پرسش اصلی این مطالعه آن است که کدام زوایای فکری جدید در مطالعات غیر داخلی وقف در این زمینه مطرح بوده و چگونه می‌توان به کمک تحلیلی انتقادی از این تولیدات دانشی ذکر شده در جهت پاسخگویی به چالش‌های کارکردی وقف به ویژه پس از قرن بیستم در جهت احیای عملیاتی وقف در شهرهای ایرانی بهره‌جست؟ در واقع رویکرد منتخب مقاله آسیب‌شناسی مطالعات داخلی با موضوع وقف و با هدف تبیین چرایی و چگونگی حضور آتی وقف در شهرها و در تداوم سنن گذشته خود است.

روش تحقیق

بنابر ماهیت کیفی پژوهش، روش پژوهش اسنادی در این مطالعه انتخاب شده است. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند تا ضمن استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی اقدام نماید (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۹). منظور از اسناد در این مطالعه، مجموعه متون تولید شده داخلی و خارجی در زمینه وقف با رویکرد شهرسازی و معماری است. در این مطالعه، علاوه بر تأکید بر محتوای اسناد، اثرگذاری اسناد بر شکل‌گیری جریان وقف در جامعه نیز به صورت همزمان مورد توجه بوده و از الگوی دوگانه تأکید بر محتوا و کارکرد اسناد (Prior, 2008: 825) استفاده شده است. از سوی دیگر تحقیقات کیفی، با توجه به ماهیت فرایند محوری و منطقی استقرایی حل مسأله (عابدی و شواخی، ۱۳۸۹: ۱۶۴) نیازمند چارچوب و رویه مدون برای حل مسأله هستند. فرایند این مطالعه مبتنی بر مطالعه و مقایسه مطالعات داخلی و بین‌المللی وقف، تحلیل محتوا و تطبیق مجموعه متون تولید شده از هر دو زاویه موافق و مخالف با وقف و شناسایی معیارهای ارزیابی متون و در نهایت شناخت آسیب‌ها و آسیب‌زدایی از مجموعه دانش موجود در مطالعات وقف است. علاوه بر این که رویکرد انتقادی و راهبرد تحقیق آسیب‌شناسی به عنوان دو بازوی مکمل این فرایند قرار گرفته‌اند. راهبرد آسیب‌شناسی محورهای تحلیل ساختار و محتوای مطالعات را مشخص کرده و رویکرد انتقادی نیز به جای تثبیت رویکردهای موجود قبلی، به نقد و ارزیابی سازنده مطالعات می‌پردازد (نمودار شماره ۱).

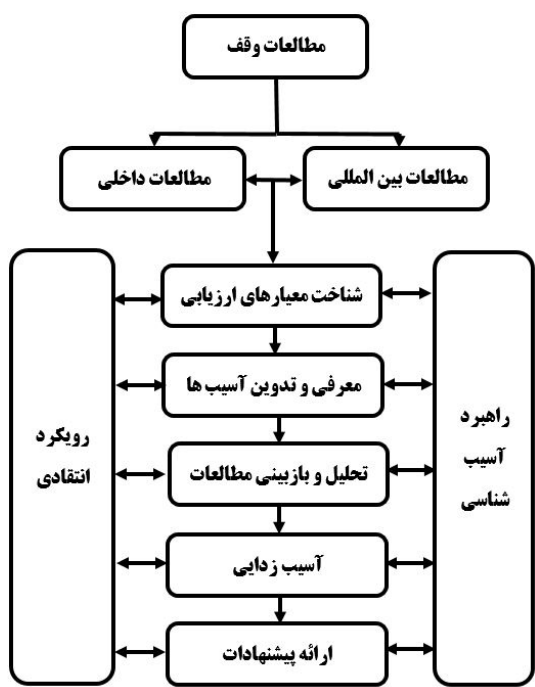
شایان گفتن است که در رویکرد آسیب‌شناسی، بر خلاف رویکردهای رایج فهرست‌نویسی آسیب‌ها، به عنوان یکی از راهبردهای تحقیق کیفی، علاوه بر توجه همزمان به نقاط ضعف یا نارسایی‌ها و عدم کارکرد صحیح، تلاش بر حل نابسامانی‌های موجود مسأله نیز هست. آسیب‌شناسی عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در ارگان‌سیسم (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۴)

مورد توجه بوده‌اند، بهتر است به جای مطالعات داخل کشور، از مطالعات بین‌المللی بهره گرفت. کیزا ایچی^۱، پیدایش مطالعات وقف را در مطالعات شهر اسلامی در امتداد ضرورت‌های سیاست‌گذاری اراضی استعماری به جای توجه به ضرورت آگاهی از ظرفیت‌های آن در مطالعات شهری ارزیابی کرده است. پژوهش مرسیپیر^۲ در سال ۱۸۹۶ و مطالعه المُنَبِّسیر^۳ در سال ۱۹۰۷ از اولین کوشش‌ها به ترتیب در این دو زمینه هستند (Kisaichi, 1994: 31).

این تعریف در بردارنده فرایند و ریشه‌یابی نقیصه مورد نظر است. در این خصوص، عمده استفاده مفهومی آسیب‌شناسی به علوم زیستی مرتبط است که کاربرد آن با اهداف یاد شده در سایر شاخه‌های علمی نیز متداول شده است. در واقع، در مطالعه آسیب‌شناسی، مبانی و ریشه‌های کارکرد نابسامان موضوع، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (رئیس دانا، ۱۳۸۰: ۳). بدین ترتیب استفاده از راهبرد آسیب‌شناسی، سبب ایجاد نگاهی انتقادی به مسأله می‌شود و زوایای پنهان موضوعی مقوله یا مفهوم مورد نظر را بسط می‌دهد و توأمان آفت‌ها و چالش‌های تفکرات ایستایی قبلی را نمایان می‌کند و در مجموع سبب برون‌رفت از وضعیت سکون دانشی در حوزه قلمرو مربوطه می‌شود. بدین ترتیب پس از بررسی و تحلیل اسنادی متون مرتبط داخلی و خارجی، رویکردهای مناسب آسیب‌زدایی مطالعات نیز شناسایی شده است. سپس با در نظر گرفتن مجموعه عوامل آسیب‌زا و آسیب‌زدا، اقدام به تحلیل انتقادی سازنده در جهت رفع موانع نظری و کاربردی وقف با تأکید بر لزوم استفاده از تجارب اخیر کشورهای مسلمان شده است. هم‌چنین به جهت اهمیت نوین بودن رویکرد نگاه مطالعات اخیر معماری و شهرسازی، بخش آسیب‌شناسی در دو بخش مطالعات اولیه و نگرش‌های جدید مطالعات وقف دنبال شده است. جدول زیر نمونه مطالعات بررسی شده وقف را به شکل تطبیقی نشان می‌دهد.

پیشینه پژوهش

برای پاسخ به این پرسش که مجموعه مطالعات نظری صورت گرفته با موضوع محوری وقف در بستر کالبدی شهرها چگونه



نمودار شماره ۱: فرایند مطالعه در چارچوب روش، رویکرد و راهبرد تحقیق

جدول شماره ۱: نمونه متون استفاده شده در آسیب‌شناسی مطالعات کالبدی داخلی و خارجی وقف

ردیف	نوع روش	نمونه متون		ردیف	نوع نگرش و رویکرد	نمونه متون	
		داخلی	خارجی			داخلی	خارجی
۱	اثباتی	شاه حسینی ۱۳۷۵ کلاتری خلیل آباد و دیگران ۱۳۸۹	Ben-Hamouche, 2009	۱	گذشته محور	دانش ۱۳۸۸ مهرافزون و دارایش ۱۳۹۲ بمانیان و دیگران ۱۳۸۷	Ben Hamouche, 2007 Sharifi & Murayama, 2013
۲	توصیفی	شفقی ۱۳۷۶ شاه حسینی ۱۳۹۰ Mohammad moradi & jafarpour Nasser, 2011	Leeuwen, 1999	۲	آینده محور	-	Hakim, 1998 Hakim, 2007
۳	تیینی تاریخی	-	Isin, 2011	۳	مسئله محور	پوراحمد و دیگران ۱۳۹۲ داداش پور و دیگران ۱۳۹۳ نصرالهی و سبحانی ۱۳۹۳	Deguilhém, 2008
۴	تحلیلی انتقادی	-	Arjomand, 1998 Hoexter, 1998 Hoexter et al., 2002 Kuran, 2001 Kuran, 2004	۴	خلاقانه	-	Stibbard et al 2012

هوکستر^۴ نیز در مقاله مروری خود با عنوان وقف در قرن بیستم، ضمن اشاره به موضوع وقف به عنوان یکی از بحث‌های اجزای گسترده مطالعات شهر اسلامی، در طبقه‌بندی سه‌گانه، مطالعات شکل گرفته در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ را در قالب ابعاد قانونی، قضایی و حقوقی وقف، کاربردهای گسترده سازمان وقف با نگاهی فراتر از ابعاد قانونی با شکل‌گیری کنفرانس بیت‌المقدس در سال ۱۹۷۹، و پس از آن کنفرانس استانبول در سال ۱۹۹۲، و در گروه آخر ایجاد ارتباط متقابل وقف با جامعه مدنی و حوزه عمومی تقسیم‌بندی کرده است. یکی از زیر گروه‌های دسته دوم، مطالعات مرتبط با اثرات وقف و توسعه شهری است (Hoexter, 1998:474-484). این رديابی موضوعی علاوه بر صحت تا به امروز نیز وجود دارد. مطالعات متعددی می‌توان از این دست نام برد که ارتباط متقابل وقف و توسعه شهر را تاکنون هدف قرار داده‌اند. برای نمونه می‌توان به مطالعه مایکل بونین^۵ برای بازارهای شهر یزد در سال ۱۹۸۷، بسط رساله دکتری مک چسنی^۶ در خصوص شکل‌گیری تاریخی چهارصد ساله وقف در آسیای میانه در سال ۱۹۹۱، مطالعه لیووان^۷ در شهر دمشق دوره عثمانی در سال ۱۹۹۹، مطالعه آکار^۸ در شهر آدنا^۹ ترکیه در سال ۲۰۰۵، معرفی شهرهای تاریخی جهان اسلام توسط ادموند باسورث^{۱۰} در سال ۲۰۰۷ و مطالعه یازیک^{۱۱} در شهر یافا^{۱۲} در سال ۲۰۱۰ مواردی از این دست در سطح مطالعات جهانی هستند. در خصوص مطالعات داخلی نیز می‌توان به مقالاتی چون مشکینی و دیگران در باره بازار شهر زنجان در سال ۱۳۸۷، مطالعه مومنی و بهرام بیگی در شهر تفت در سال ۱۳۶۱، مطالعه پوراحمد و همکاران در شهر لالچین در سال ۱۳۹۲، مطالعه شفقی در شهر اصفهان در سال ۱۳۷۶، و از مطالعات در سطح کلی می‌توان به قدیری ۱۳۶۹، شهبابی ۱۳۸۳ اشاره داشت. از میان شهرهای متعدد متأثر از وقف که در مشخصه اسلامی شدن به لحاظ زیر ساخت‌های شهری پیشگام بوده‌اند، می‌توان به سه شهر فوستات^{۱۳}، قاهره و بغداد اشاره کرد. از میان شهرهای متأثر از وقف در سامان‌دهی فضاهای شهری، شهر حلب^{۱۴} در شمال سوریه شاخص است (Deguilhem, 2008: 931,934). علاوه بر این دسته‌بندی، سیر توجه به موضوع وقف بعد از سال ۲۰۰۰ نیز ادامه داشته و برگزاری کنفرانس قاهره در سال ۲۰۰۵، کنفرانس کیپ تاون و سنگاپور در سال ۲۰۰۷، کنفرانس دبی در سال ۲۰۱۲، کنفرانس استانبول و کوآلالمپور در سال ۲۰۱۴ نمونه‌ای از این تلاش‌ها در سطح جهانی است. سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی نیز در دستور کار خود، ارتقای وقف را در اولویت قرار داده است. از جمله تلاش‌های جدید برای احیا و کاربست وقف در جوامع اسلامی می‌توان از وقف پول^{۱۵} و همراه‌سازی آن با سیستم بانکداری در کشور مالزی نام برد (Sait and lim, 2006:165). پروژه وقف جمعی ساخت بیمارستان تخصصی سرطان در شهرری نیز تجربه اخیر کشور ایران در زمینه وقف پول و به شکل سازمان یافته آن است.

آسیب‌شناسی

آسیب‌های رویکرد محور

برای پی‌ریزی روشی فکری برای آسیب‌شناسی مطالعات موجود، باید ابتدا مجموعه مقالات مرتبط را در این زمینه شناسایی کرد و سپس با استخراج تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها با یکدیگر، خلاءها و کاستی‌های آن را به کمک رهیافتی غیر یکنواخت با خط سیر فکری موجود، مجدداً مورد نظم‌دهی قرار داد. آن‌چه که هوکستر در مقاله مروری خود با عنوان دانش عمومی^{۱۶} وقف در مطالعات شهری معرفی می‌کند عبارت است از نقش وسیع وقف در توسعه شهری به کمک تأمین خدمات عمومی شهر در زمینه‌های متفاوت رفاهی، آموزشی و مذهبی و یا تأسیسات شهری تا قبل از قرن بیستم توسط نظام وقف در جوامع اسلامی (Hoexter, 1998:476). مروری بر مقالات منتشر شده پس از این شناخت‌شناسی، گویای آن است که همین خط سیر فکری تا کنون توسط اندیشمندان مختلف از ملل مختلف دنبال شده است و اساساً رابطه وقف و شهر بیش تر به شکل رابطه‌ای یک طرفه، نقش وقف را در شکل‌گیری شهر و عناصر تشکیل‌دهنده آن و غالباً با رویکرد کارکردگرایانه و در دوره‌های تاریخی گذشته (نک. شاه حسینی، ۱۳۹۰) به صورت متداوم مورد تأکید قرار داده است. این چالش در مطالعات داخل کشور به نسبت مطالعات جهانی وقف نمایان تر است. مهر افزون و دارایش در مطالعه خود در سال ۱۳۹۲ شمسی به عنوان یک مقاله جدید داخلی در خصوص اهمیت وقف در شهر اظهار داشته‌اند که در مورد وقف، آثار و نتایج آن تا کنون مطالب و مقالات قابل توجهی نگارش شده است (مهر افزون و دارایش، ۱۳۹۲: ۱۰۴). در این زمینه باید توجه داشت که تعدد مقالات نگاشته شده چه نوع دیدگاهی را ثبت و یا گسترش داده‌اند و این نکته‌ای است که محقق بدان اشاره نموده است. همچنین باید توجه داشت صرف نظر از این که تعداد مطالعات داخلی و خارجی هر دو در زمینه وقف رویکرد ثابتی را دنبال نموده‌اند؛ متأسفانه مقالات نگارش شده به زبان فارسی اساساً هیچ نوع توجهی تا کنون به مطالعات بین‌المللی وقف (نک. دانش، ۱۳۸۸) نداشته‌اند. در مغرب زمین نیز مطالعه هوکستر و همکارانش مبنی بر تلاش برای ارتباط‌دهی بین وقف و عرصه عمومی (Hoexter et al., 2002:119) نمونه‌ای از گذار از اهمیت موضوعی وقف و شهر با تغییر جهت‌گیری برای تأمین خدمات عمومی شهری است. از سوی دیگر در مطالعات اخیر داخلی نیز اگر چه رویکرد مسأله‌محور برای بررسی و تحلیل چالش‌ها و ضعف‌های اجرایی کالبدی و اقتصادی وقف در شهرها (سوری و یآوری، ۱۳۸۳) (پوراحمد و دیگران ۱۳۹۲) (داداش پور و دیگران، ۱۳۹۳) (نصراله‌هی و عبدلی سبحانی، ۱۳۹۳) به مجموعه تفکرات قبلی تزریق شده است؛ اما با این حال نیازمندی به رویکردهای

خلاق محور همچنان به عنوان کمبود جدی در رویکردهای مطالعاتی کالبدمحور وقف محسوس است. در مطالعات جدید صورت گرفته جهانی در خصوص موضوع وقف از دریچه دو دانش معماری و شهرسازی، بیشترین توجه به نقش توسعه شهری وقف باز می گردد، اما در نوع نگاه به نسبت مقاله های کلاسیک توصیفی قبل، تفاوت هایی مشاهده می شود که نقش متفکرین مسلمان در این زمینه مشهودتر است. بسیم سلیم حکیم^{۱۳} در سال ۱۹۹۸ در ستون دیدگاه مجله Cities، ۱۵ محور تحقیقاتی را برای دهه ۲۰۰۰ میلادی به بعد در خصوص الزامات شکل گیری نظریه گسترده شکل شهری شهرهای سنتی اسلامی ارائه کرد که یکی از این محورها در خصوص وقف است. وی با اشاره به تلاش های صورت گرفته در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی در باره شکل گیری مباحث نظری شهرهای اسلامی معتقد است که این تلاش ها، پایه های محکمی برای ساخت نظریه ای مدون نبوده اند (Hakim, 1998:51). در واقع بسیم حکیم به عنوان نظریه پرداز برجسته شهر اسلامی، برای وقف نیز جایگاهی مشخص تعریف می کند. وی در پیشنهاد شماره پنج خود در این زمینه اشاره دارد، که تا کنون مطالعات متعددی با موضوع وقف که ریشه در آموزه های پیغمبر اسلام دارد، انجام گرفته است؛ به طوری که اکثر این مطالعات بر روی ساختمان های خاص و ویژه وقفی تاکید کرده اند و اظهار می دارد مطالعات موجود، اثرات تعداد زیادی از ساختمان های وقفی را در شهر به عنوان یک کل بررسی نموده اند و فرایند رشد، تغییرات و نتایج حاصل از آن بر شکل شهر را در طول زمان بررسی نکرده اند (Ibid:53). در واقع حکیم در این بررسی الگوی پیشنهادی جدیدی معرفی نمی کند بلکه دامنه فکری گسترده تری از قبل را ولی با همان رویکرد مطالبه می نماید. وی در مطالعه مرتبط بعدی خود در سال ۲۰۰۷، در معرفی اصول پنج گانه مولد پویا^{۱۴} مستخرج از بافت های تاریخی و شهرهای سنتی، به وقف در زیرمجموعه حقوق فردی و جمعی موجود در این شهرها اشاره می کند که به نوعی باز همان تأکید بر اهمیت نقش حضور و تداوم آن در شهرهای اسلامی است (Hakim, 2007: 91).

آسیب های نگرش محور

مطالعات صورت گرفته دچار ایراد نگاه به موضوع از دریچه موافق یا مخالف بوده اند. این خلاء اگر چه در وهله اول خللی به مطالعات قبلی و آتی وارد نمی سازد؛ لیکن بدون تلاش برای نقد این ادعا و عدم نگاه به نظر مخالفان، احیاءسازی فرهنگ و سازمان وقف را در عمل با چالش های جدی روبه رو می سازد. این جهت گیری در بین محققان اخیر و مقاله های سال های ۲۰۰۰ به بعد و بیش تر در بین نویسندگان مسلمان به وضوح هنوز مشاهده می شود. تیمور کوران^{۱۵}، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه دوک^{۱۶}، یکی از اندیشمندان غربی است که تعریف وی از وقف با آنچه

که در بین سایر نویسندگان مسلمان و غیر مسلمان رایج بوده، تفاوت جدی دارد. وی وقف را وسیله و ابزار معتبر تعهدآور می داند که به ازای ایجاد امنیت برای مالکان زمین و دارایی های غیر منقول، از آنان سرمایه گذاری و توجه به کالاهای عمومی^{۱۷} را مطالبه می کند (Kuran, 2001:843). وی در این مقاله و مطالعه بعدی خود با عنوان دلایل توسعه نیافتگی اقتصادی خاورمیانه در سال ۲۰۰۴ به وضوح به عدم کارکرد وقف در شهرهای مسلمانان و علل آن در دوره های قبل و بعد از قرن بیستم اشاره می نماید. در واقع نگاه کوران، نگاهی غیر مذهبی همراه با تحلیل های جامعه شناختی تاریخی است که همان طور که ذکر شد، این انتقاد در بین موافقان برداشت عمومی رایج از مفهوم وقف (نک. مهر افزون و دارایش، ۱۳۹۲) اساساً حتی مورد اشاره نیز قرار نگرفته است؛ در حالی که وی برای این ادعا، نظر موافقان وقف را به صورت ریز و جزئی مطرح نموده است، به گونه ای که معتقد است حمایت های سیستم وقف برای بخش های اقتصادی جامعه آن گونه بوده که اساساً امکان تکامل تمدن اسلامی بدون در نظر گرفتن آن میسر نبوده است (Kuran, 2001:851). این ادعا با نظر مارشال هوگسون^{۱۸} در سال ۱۹۷۴ مبنی بر تعریف وقف به عنوان اصلی ترین ابزار سرمایه گذاری در اسلام به عنوان یک جامعه، مطابقت دارد (Hodgson, 1974:124). در واقع کوران اهمیت موضوع وقف را در شکل گیری عناصر شهری و از آن بالاتر نقش آن را در شکل گیری تمدن اسلامی نادیده نمی گیرد؛ اما کارکرد حمایت آرای محققان مسلمان یکسان نیست و اساساً دچار تضاد است. وی با اشاره به این که صرفاً عواملی همانند تقوا، وجهه یا جایگاه و سیاست فهرست نهایی عوامل شکل دهنده وقف نیستند؛ اظهار می دارد مخفی نگه داشتن و حفظ ثروت و جابه جاسازی دارایی و منطقی تقسیم ارث در اسلام نیز در شکل گیری وقف موثر بوده اند (Kuran, 2001:853-858). فوراً باید یادآور شد که نشانه هایی از این ادعا در اسناد تاریخی- توصیفی وقف در کشور ایران نیز مشاهده می شود. مرتضی راوندی در کتاب تاریخ اجتماعی ایران از مواردی هم چون تجاوز به املاک وقفی و نمونه شهر کرمان برای جلوگیری از این دست اندازی، عدم جستجوی اعمال حق و عدالت اندک توسط عمال دین و حکومت بعد از اسلام و برخورداری از معافیت مالیاتی اموال وقفی سخن به میان آورده است (راوندی، ۱۳۵۹: ۷۴۹-۷۶۸). مواردی که کوران نیز دقیقاً به آنها اشاره کرده است (Kuran, 2001:842,843,847) Kuran, 2004:75). البته دلایل مشابه دیگری نیز در اسناد تاریخی کشور ایران هم چون تظاهرات مذهبی برای کسب شهرت (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۵۲) و جلوگیری از تجزیه اموال و ممانعت از دست درازی حکومت (بامداد، ۱۳۷۱: ۶۸) مشاهده می شود. نمود این ادعای تاریخی در دوره معاصر اظهار نظر اهلرز^{۱۹} و فلور^{۲۰} مبنی

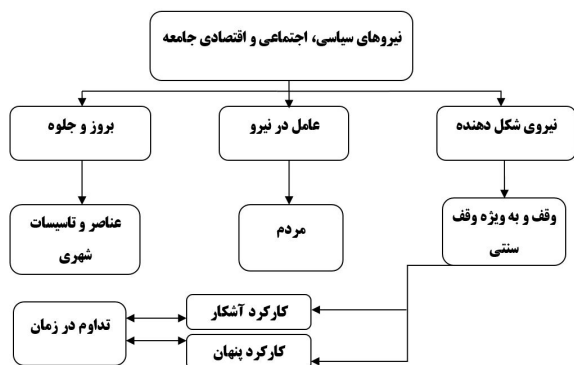
بر تصویب قانونی در سال ۱۳۱۹ در ایران دوره مدرن همزمان با روی کارآمدن و شکل‌گیری قدرت اجرایی شهرداری‌ها، در خصوص استفاده از اراضی وقفی برای توسعه شهر است که علی‌رغم وجود احساسات منفی در دستور کار قرار گرفت و نهایتاً در سال ۱۳۲۰ لغو شد (Ehlers & Floor, 1993:251). با این حال این دخل و تصرف دولتی در شهرهای مهمی هم‌چون تهران به واسطه پایتخت بودن در ادوار تاریخی معاصر ایران نمود بارزی داشته است (شاه حسینی، ۱۳۸۹: ۱۱).

این چالش‌نگرشی در مطالعات جدیدتر وقف از دریچه دانش‌های معماری و شهرسازی نیز دنبال شده است. به عنوان مثال بن‌هاموش^{۲۵} در سال ۲۰۰۷ در خصوص مهم‌ترین انتقادهای وارده بر تفکر وقف در شهر به نقل از اکبر^{۲۶} و هوکستر به مواردی هم‌چون سوء مدیریت، فراموشی توجه به کارکرد فضایی و تنزل کیفی اراضی وقفی اشاره می‌نماید (Ben Hamouche, 2007:41). مطالعات جدیدتر نیز این موضوع را مورد تایید قرار داده‌اند (Abul and Abdus Shahid, 2010). این نگاه، برداشتی موافق‌گونه از مفهوم وقف در طول زمان با نگرش کارکردی آشکار آن در سطح شهر است و هم‌عرض تحلیل‌های قبلی تا قبل از این مطالعه است. بن‌هاموش، در مطالعه خود در سال ۲۰۰۹ علاوه بر نقش وقف در توسعه کالبدی، به ماندگاری زمانی این عناصر با معرفی مصادیقی جامع شهر حمامات در کشور تونس و حفظ آن در مقابل تغییرات کاربری زمین و تفکیک‌های صورت گرفته در طول زمان اشاره می‌کند و از این ویژگی با عنوان نشانه‌های شهری که در طول قرن‌ها تثبیت شده است، یاد می‌کند (Ben-Hamouche, 2009:29-30). وی در مطالعه قبلی خود بیان نموده بود که آن‌چه به عنوان نشانه شهری و ساختمان‌های تاریخی در شهر به جا مانده خود، ذاتاً به دستور حاکمان برپا شده‌اند و مدیون حضور سیستم وقف است (Ben Hamouche, 2007:36). اگرچه این نمونه و نمونه‌های مشابه در سایر کشورها وجود دارند، با این حال هنوز هم این مصادیق جنبه توصیفی به خود می‌گیرند و اساساً در خصوص بُعد رابطه شهر با وقف در مقابل اثر وقف در شهر سخنی به میان نمی‌آورند. به عبارت دیگر مشخص که چرا تحلیل‌های توصیفی قدیمی و جدید صورت گرفته صرفاً رابطه‌ای یک طرفه را بین وقف و شهر در نظر گرفته‌اند. شریفی و مورویاما^{۲۷} در تحقیق اخیر خود در خصوص معرفی الگوهای شهری سنتی و با تأکید بر عناصر و المانهای شهرهای سنتی ایرانی از وقف نیز نام می‌برند (Sharifi & Murayama, 2013:131) که این اشاره صرفاً در حد معرفی و یا طبقه‌بندی آن در فهرست عناصر سازنده شهر سنتی ایرانی است.

آسیب‌های روش شناختی

موضوع دیگری که در مطالعات وقف نادیده گرفته شده، عدم اشاره به عامل زمان در تحلیل‌های به عمل آمده از کارکرد وقف

است. بازنمود این چالش و آسیب در نبود روش‌های تبیینی تاریخ‌محور و تحلیل‌های انتقادی سازنده و به ویژه در مطالعات داخلی نمایانگر است و در عوض غلبه با روش‌های اثباتی (نک. moradi and jafarpour, 2011) (نک. کلاتری خلیل آباد و دیگران، ۱۳۸۹) (نک. شاه حسینی، ۱۳۷۵) (نک. شفقی، ۱۳۷۶) فزونی می‌یابد. این عامل تا بدان‌جا اهمیت دارد که هر گونه تلاش برای احیای جایگاه و عملکرد وقف را در آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد. کوران در ادامه تحلیل خود اظهار می‌دارد که تا قبل از دوره مدرن، در خاورمیانه به طور سنتی تعداد مختلفی از کالاهای عمومی که هم‌اکنون توسط سازمان‌های حکومتی پشتیبانی می‌گردند، توسط بخش خصوصی تامین می‌شود و تنها از نیمه دوم قرن ۱۹ به بعد با ایجاد تشکیلات شهرداری در شهرهای بزرگ، این موضوع به صورت متمرکز اداره شده است (Kuran, 2001:842). وی در ادامه معتقد است که چنان‌چه بین ماهیت ایستا و ثابت وقف با حرکت آرام اقتصادی آن زمان هماهنگی وجود داشته باشد، با این حال در اقتصاد در حال تغییر، کارآیی سیستم وقف به دنبال تاخیر در نوع سازگاری مطلوب اجتماعی آن رو به افول خواهد بود (Ibid: 866). در واقع کوران در تحلیل خود سعی می‌کند پل بین گذشته و آینده و یا اقتصاد دوران قدیم و جدید را به کمک چالش گسست زمانی حل نماید. شایان گفتن است که محققان دیگری هم‌چون امیرارجمند و یراسیموز در خصوص آینده موضوع وقف در جامعه و احتمال افول آن پیش‌تر سخن رانده بودند (Yerasimos, 1994:43-45) (Arjomand, 1998:117, 126). با در نظر گرفتن همین چالش است که کوران معتقد است وقف دیگر نمی‌تواند با وجود تشکیلات دولتی و رسمی، به راه قبلی خود با همان نقش ادامه دهد (Kuran, 2001:899). شاه حسینی نیز در یک بررسی تطبیقی در دو دوره زمانی تاریخی قاجاریه و پهلوی در ایران، به نوعی این نکته را مورد تأیید قرار داده و اظهار داشته است که در دوره پهلوی بر خلاف دوره قاجار، وقف و موقوفات دیگر نقشی در توسعه فضایی تهران نداشته و جای خود را به سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی دولت و بخش خصوصی داده است (شاه حسینی، ۱۳۹۰:۳۱). با این حال قبل از این که بتوان این ادعا را به درستی تعمیم داد، باید توجه داشت که سنخ‌شناسی حرکت وقف در این جهت‌گیری، با متوقف شدن سیر حرکت کارکردین پنهان و آشکار آن و در نتیجه عدم امکان بازتجدید نقش جریان‌سازی آن در جامعه بوده است. در این خصوص باید دقت کرد که علاوه بر دو مشکل گسست زمانی و عدم کارآیی، عدم انعطاف‌پذیری وقف سنتی با شرایط جدید جامعه و اقتصاد، سبب‌ساز از بین رفتن چابکی آن در برابر تغییرات جدید می‌شود. حضور و شکل‌گیری شهرداری‌ها در قرن بیستم و تمایل بیش‌تر دولت‌ها، به این موضوع جدیت بیش‌تری می‌بخشد. از آن‌جا



نمودار شماره ۲: ساز و کار بروز، کارکرد و جلوه وقف در شهر

بحث و نظر

در مجموع می‌توان چنین استنباط کرد که مطابق مطالعات جهانی صورت گرفته، فهم متخصصان معماری و شهرسازی ایرانی از وقف، با درکی بسیار محدود و فاقد تحلیل جامع‌نگر بوده است. این مسأله خود به محدودسازی آثار وقف در شهرها، عدم امکان احیای آن در زمان و به ویژه تداوم وضعیت فعلی در شهرهای ایرانی در آینده منجر می‌شود. در این باره برای جلوگیری از برداشتهای غلط نکاتی به عنوان مکمل یافته‌های این پژوهش ذکر می‌گردد.

۱. در خصوص تحلیل جامعه‌شناختی و انتقادهای کوران می‌توان این گونه ادعا کرد که موضوع وقف در اسلام از تأکیدها و آموزه‌های پیامبر اکرم اسلام است و در اجرا بسته به شرایط و موقعیت‌های خاص سیاسی، تاریخی و اجتماعی، به اشکال متفاوتی در شهر صرف نظر از نوع کارکرد آن بروز یافته است. در واقع، در این که شالوده موضوع، آمیخته با مذهب باشد، شکی وجود ندارد و بنابراین مطالعه صرف در خصوص سنجش فرایند تغییر ماهیت و شکل‌گیری آن و نحوه کارکرد یا کارایی آن لزوماً نمی‌تواند به تنهایی اساس موضوع را زیر پرسش ببرد، چرا که با ایجاد شرط تناقض در این استدلال و با تغییر رویه یاد شده، مجدداً موضوع وقف می‌تواند ضمن حفظ شکل و چارچوب وجود، ماهیت خود را در طول زمان همانند گذشته تغییر دهد و این همان حرکتی است که کشورهای مختلف اسلامی بنابر تنوع کارکردی وقف در جامعه اسلامی آن را در دو دهه اخیر نشانه‌گیری و هدف‌گذاری نموده‌اند.

۲. آرای اینگین ایسین^{۲۸} دیگر محقق ترک تبار و متخصص در مطالعات شهروندی بر خلاف نظر کوران، اعتقاد به کنشگری شهروندی وقف در امپراتوری عثمانی به واسطه سهم و جایگاه اقتصادی وقف در آن پهنه سرزمینی تا قبل از قرن نوزدهم و آغاز نوسازی کشور ترکیه دارد. وی در یکی از مطالعات اخیر خود، وقف را نوعی واکنش و اقدام برای مذاکره در پیوند با مفهوم ماقبل مدرن ملت^{۲۹} هماهنگ با خوانش و تعاریف غیر غربی گروه‌های اجتماعی در امپراتوری عثمانی می‌داند (Isin, 2011: 209). البته این ادعا

که این تحلیل‌ها و شناسایی کاستی‌های وقف در زمان خود صورت نگرفته است، عقب‌ماندگی سازمان وقف پیش آمدگی سازمان‌های دولتی و حکومتی را با خود به همراه می‌آورد. این دو موضوع توسط اندیشمندان مختلف در این زمینه مطرح شده است (Stern, 1970:25-50; Gerber, 1999:84). کوران نیز ادعا می‌کند که این نوع عدم انعطاف‌پذیری سازمانی در کنار عدم انعطاف‌پذیری عملیاتی در اجرا، در عوض برای سایر مدل‌های سازمانی خیریه برخوردار از این دو ویژگی همانند TRUST در غرب بسیار سودمند بوده است (Kuran, 2001:862,867). الگوی وارداتی شرق از شهرداری به همراه از دست رفتن مفهوم و ماهیت وقف از یک سو و تقویت سازمان شهرداری غربی با سابقه بر گرفته از قرن ۱۱ میلادی در اروپا (Ibid:878) به همراه حفظ ویژگی‌های وقف در غرب، دستاورد این داد و ستد دو طرفه در ابتدای قرن بیستم برای این دو سیستم فکری است. در این خصوص باید توجه داشت که در حال حاضر، قابلیت امکان مشارکت شهروندان شهرهای غربی در تأمین بخشی از کالاهای عمومی، میراث دار این داد و ستد است. کوران در مطالعه سال ۲۰۰۴ خود به این موضوع به عنوان یکی از تناقضات برجسته چهارگانه شرق و غرب یاد کرده است (Kuran, 2004:78). تصاویر زیر گویای حضورپذیری وقف به عنوان یکی از عناصر حیاتی سازنده شالوده و سیمای شهر در طول تاریخ و در امتداد نیازمندی به روش‌های تبیین تاریخی و انتقادی در شهرهای ملل اسلامی است.



تصویر شماره ۱: مسجد جامع جدید شهر الجزیره به عنوان نشانه‌ای شهری منتج از وقف، مأخذ: Ben-Hamouche, 2007: 37



تصویر شماره ۲: مجموعه وقفی خانقاه بندرآباد یزد، مأخذ: پورمند و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۸

نبود مطالعات قوی در این باره و به جهت حاشیه‌ای بودن کلیت موضوع در بین متخصصان معماری و شهرسازی، توصیه می‌شود به کمک یافته‌های این مطالعه برای عبور از رویکردهای توصیفی، تحقیقات جدی به ویژه در خصوص تنگناهای هماهنگ‌سازی قانونی فقه وقف و الزام حفظ پویایی توسعه شهری به عمل آید.

۷. نظر به حساسیت حضور وقف در جامعه اسلامی، راهبرد آسیب‌شناسی مطالعات وقف می‌تواند در کنار راهبرد آسیب‌شناسی کارکردی وقف به عنوان ابزاری سودمند در جهت نقد و هدایت تفکرات شکل گرفته قبل و پیدایش زمینه‌ای رشد عقاید جدید به کار گرفته شود. توصیه می‌شود از این راهبرد پژوهش، در فواصل زمانی مختلف در مجموعه مطالعات داخلی و خارجی وقف استفاده لازم به عمل آید.

۸. مطالعات شهر-وقف در ایران نیازمند بازنگری اساسی در پیکره زیربنایی خود و بازاندیشی جدی در پیوند با نیازهای جامعه مدرن ایرانی در فضاهای شهری است. این پیوند می‌تواند در چارچوب مفهوم شهر اسلامی و یا شهرسازی و معماری اسلامی دنبال شود و یا ارتباط عمیقی با دانش سه‌گانه شهرسازی مدرن یعنی برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و مدیریت شهری برای پاسخ‌گویی به خدمات شهری و توسعه شهری داشته باشد.

۹. جهت‌گیری مطالعات کالبدی وقف در ایران، علاوه بر ضرورت تعریف موضوع در پیوند با دانش‌های یاد شده، نیازمند تغییر رویکرد و برخورد فعال و آینده‌محور با موضوع وقف در شهرها است. فقدان چرخه دانش برای استفاده از ظرفیت بالقوه وقف برای حل مشکلات و مسائل اجتماعی جامعه شهری ایران از جمله رفع کمبود سرانه کاربری‌ها و خدمات شهری (قدیری، ۱۳۶۹: ۴۳) و یا در جهت حل معضل مسکن شهری گروه‌های کم درآمد شهری (رضایی، ۱۳۸۲: ۳۲) (شاه حسینی، ۱۳۸۹: ۴) و تأمین مالی خدمات شهری (نصرالهی و سبحانی، ۱۳۹۳: ۷۵) نمایانگر رکود و سستی مطالعات موجود وقف در ایران و عدم اثرگذاری و کنشگری آن برای هدایت جریان نیروی اجتماعی وقف در جامعه شهری ایران معاصر است.

۱۰. مطالعات منظم مردم‌محور وقف در پیوند با فرایند توسعه فضاهای شهری، زیرساخت‌های شهری و تأمین خدمات عمومی هم‌چنان به عنوان موضوعی فراموش شده در مطالعات وقف در ایران محسوب می‌شود. بی‌توجهی به تاریخ و گذشته عملکردی وقف، عدم شناخت آسیب‌های ضمنی آن، عدم پیوند با نیازهای جامعه مدرن ایرانی و پُر رنگی سازمان‌های اداری مدرن برگرفته از مدرنیسم غربی بخشی از دلایل مهم بی‌تفاوتی کنونی و برخورد‌های خودجوش و مقطعی دانشگاهیان نسبت به این ظرفیت بالقوه مردمی است.

۱۱. پیوند مجدد سنت و فرهنگ وقف در شهرها به دلیل چند عملکردی بودن وقف در شهرها، در وهله اول نیازمند مطالعات بین

انتقادات از جمله کیفیت پنهان و منفعلانه و شخصیت مطیع‌سازی شده و غیر سیاسی شهروندان را به نسبت کنش شهروندی غربی با خود به همراه داشته است (Barbero, 2015: 123).

۳. از حیث کالبدی، باید ارتباط منطقی مفهوم وقف به شکل نظری و اجرا توأمان با یکدیگر مورد توجه باشد و ترجیحاً این مسأله به شکل فرایند مد نظر قرار گیرد. در واقع احیای نظری این مسأله نیازمند اجرای مطلوب در عمل و سپس بسط مجدد مفهومی نظری آن است. شناسایی ظرفیت‌های موجود جامعه و توانمندسازی اقشار مختلف آن در این زمینه بسیار سودمند خواهد بود. یکی از این نمونه‌های موفق در این زمینه احیای سقاخانه‌ای در شهر دمشق با کارکرد تأمین آب نوشیدنی خنک در سال ۱۹۹۶ به تناسب ظرفیت‌ها و گذشته تاریخی آن است (Deguilhem, 2008: 949). مطالعات اخیر با رویکردهای عام وقف نیز ضرورت توجه به راه‌حل‌های نوآور را برای عبور از وضعیت فعلی وقف پیشنهاد داده‌اند (Stibbard et al, 2012: 810).

۴. خاموشی رابطه شهر و وقف و نقش یا وظیفه شهر در جهت حفظ، تثبیت و احیای مقام و جایگاه نظری و عملی وقف نکته‌ای است که تا کنون حتی به آن اشاره نیز نشده است. یکی از بهترین پیشنهادهایی که می‌توان در این زمینه ارائه نمود، نشانه‌دار کردن المان‌های وقفی در جهت شناسایی و ماندگارسازی آن در ذهن شهروندان و سایر افراد عبوری از شهرها به کمک نمادسازی این عناصر در طول زمان با استفاده از ابزارهایی مانند رنگ‌های تعریف شده در این زمینه است. این امر در منظر شهری شهرهای اسلامی نیز نافذ خواهد بود. این تغییر رویکرد در صورت اجرا می‌تواند رابطه یک طرفه شهر و وقف را به رابطه‌ای دو طرفه و پویا مبدل سازد. در این نگاه، شهرها صرفاً به عنوان بستر دیده نشده و نگاه دعوت از وقف برای حضور در شهر تجلی می‌یابد. هم‌چنین استفاده از رویکرد کاربری اراضی در قالب رویکرد نوسازی شهری و بازسازی ساختمان‌های وقفی در این زمینه کارساز است. در این باره به طور نمونه می‌توان به اقدام عملی صورت گرفته در شهر ساحلی سیدون^۳ در کشور لبنان در سال ۱۹۹۹ اشاره داشت (Deguilhem, 2008: 950).

۵. ایجاد بستری پویا برای تعامل دوگانه وقف و شهر می‌تواند زمینه‌ساز حضور جدی و قوی شهروندان برای دخالت آگاهانه آنان در شکل‌دهی به محیط مصنوع خود در شهرها شود؛ امری که در صورت هدایت صحیح می‌توان از آن برای جلب مشارکت ارادی مردمی در قالب وقف جدید همه‌گیر به جای وقف سنتی خیرمحور و در ابعاد متفاوتی از جمله تأمین خدمات گوناگون شهری سود جست که البته خود نیازمند مطالعات جامع‌تر و تکمیلی در این زمینه است.

۶. برای حفظ یکپارچگی اثرات وقف در شهر، تعریف نگاه جامعی که کل آثار وقف را در شهر در ابعاد مختلف کالبدی و غیر کالبدی در برداشته باشد، مثمر است. هم‌چنین به دلیل

رشته‌ای با روش‌ها، نگرش‌ها و رویکردهای جدید است. جستجو در نوع کاربرد ابزارهای جدید دانش برنامه‌ریزی شهری از جمله حق انتقال توسعه در شهر^{۱۱} (TDR) با مالکیت زمین شهری و تأمین ابعاد آرای فقهی و جلب نظر واقفان، نمونه‌ای از این تفکرات جدید پیشنهادی مطالعات وقف در ایران است. استمرار و کاربرد چنین ایده‌هایی می‌تواند موجب تولید دانش بومی و بلوغ ابزارهای یاد شده هماهنگ با فرهنگ ایرانی اسلامی کشور شود.

۱۲. مطالعه و بررسی تفسیری - تاریخی دوران‌های اولیه فرایند نوسازی جامعه ایرانی در دوره صفویه به دلیل رواج اندیشه‌های خام مدرنیته غرب و رواج شیوه‌های تفکر غربی در نظام اداری و فرهنگی کشور (شفقی، ۱۳۷۶: ۳۶) و در دوره قاجاریه به جهت تقویت جنبه‌های دولتی وقف (قدیری، ۱۳۶۹: ۴۲) به خوبی می‌تواند ریشه‌ها و زمینه زوال کارکردی وقف را در جامعه ایرانی بازنمایان سازد. این فهم تاریخی می‌تواند پشتوانه شناخت صحیحی از استمرار این جریان در دوره تاریخ معاصر شهر و وقف در ایران باشد. در واقع ریشه‌شناسی زمینه‌های آسیب‌های وقف در طول تاریخ مدرن ایران به درستی تبیین نشده است. پی‌جویی‌هایی بین رشته‌ای این نارسایی‌ها در مطالعات وقف در ایران می‌تواند دست‌مایه بسیاری از تحلیل‌های عدم کارآیی تاریخ محور وقف در ایران باشد.

۱۳. فراتحلیل مطالعات کالبدی وقف با تأکید بر مطالعات در ایران و با رویکرد انتقادی به خوبی می‌تواند زمینه‌ها و جهت‌گیری پژوهشی وقف را با رویکرد معماری و شهرسازی تبیین نماید. این فراتحلیل می‌تواند مکمل یافته‌های این پژوهش باشد. به طوری که در جهت شناسایی نتایج تحقیقات مختلف انجام شده، بازنگری پیشینه موضوع‌های پژوهشی، یکپارچه‌سازی و ترکیب هدفمند نتایج آن‌ها به کار گرفته شود و ابعاد آسیب‌های اشاره شده این مطالعه را بازنمایان سازد.

۱۴. نکته آخر آن که جریان‌سازی مجدد وقف در جامعه و شهر بدون ارائه تحلیل‌های جامع‌نگر و با اتکای صرف بر رویکردهای تاریخی-توصیفی حتی با بهره‌گیری از تجربه‌های سایر کشورهای مسلمان، چندان کارساز و پایدار نخواهد بود و ضرورت طرح‌ریزی چارچوب فکری مدون برای بسط مفهومی موضوع به طور عام و برای هر شهر به طور خاص الزامی است. در واقع جریان‌سازی اخیر مستلزم نگاه همزمان به تحولات وقف و مطالعات وقف به صورت یکپارچه است.

جمع بندی

حضور وقف به عنوان یک ارزش والای انسانی و دینی رکنی سازنده برای شهرهای دوره اسلامی بود. این میراث هم اکنون به واسطه تحولات دو قرن اخیر به شکل متحول شده‌ای از کارکرد اولیه خود در اختیار ما قرار گرفته است. شکل‌گیری پدیده وقف در شهرها در طول زمان دست‌خوش تحولات نظری و عملی متفاوتی در بستر مکانی ملل اسلامی و غیر اسلامی بوده است، ولی مطالعات علمی داخل کشور با رویکرد معماری و شهرسازی، تا کنون کمتر به

این تحولات زمانی اعتنا نموده‌اند. با توجه به اهمیت مطالعات وقف و نقش غیر مستقیم آن در شکل‌گیری سنت حسنه وقف در جامعه، آسیب‌های اصلی مطالعات وقف در قالب سه محور اصلی شناسایی گردید. این سه محور شامل آسیب‌های روش‌شناختی، آسیب‌های رویکردی و آسیب‌های نگرشی در حوزه مطالعات کالبدی وقف است. این آسیب‌ها، هر یک در انسداد تفکر فعلی مطالعات موجود وقف و به ویژه در ایران مؤثر بوده‌اند. در فرایند انتقادی مطالعه، بازنمودهای این سه محور به کمک آرای نظریه‌پردازان مختلف داخلی و خارجی در اشکال مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. پوشش دوره زمانی محدود مطالعات تا قرن بیستم، سنجش‌گری توصیف‌انگارانه، اتخاذ روش‌های اثبات‌گرا، جهت‌گیری و نگرش غالب تاریخی گذشته‌محور و همراهی با نگرش‌های صرف موافق‌انگارانه با موضوع وقف، بازنمودهای اساسی محورهای آسیب‌زای شناسایی شده در مطالعات وقف و به ویژه در ایران است. داشتن تفکر باز در جهت آسیب‌زدایی این موانع می‌تواند راهگشای اقدامات سازنده‌ای برای شناسایی مشکلات نظری و اجرایی وقف در شهرها باشد. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با عبور از آسیب‌های عمده یاد شده، ضمن استفاده از روش‌های انتقادی و تبیینی تاریخی، رویکردهای مسئله‌محور و خلاق، و با تزریق نگرش‌های آینده‌محور و لحاظ نمودن همزمان آرای موافق و مخالف کارکردی این سنت، به ارتقای کیفی مطالعات کالبدی وقف دست یافت. این تحول قبل از هر چیز به یک بازنگری اساسی در پیکره و شالوده زیربنایی مطالعات کالبدی وقف نیازمند است. انجام مطالعات پراکنده و مقطعی بدون چارچوب مستحکم مطالعاتی نمی‌تواند به سرعت و با دقت و اطمینان، راه نرفته طولانی بازاندیشی تحولات وقف را در یک‌صد سال اخیر حضور جریان مدرنیسم در ایران جبران نماید. مطالعات کالبدی وقف بیش از پیش نیازمند تحقیقاتی مستمر در قالب‌هایی نوین و همسو با تجارب نوین شهرهای اسلامی و دیگر ملل غیر اسلامی و هم‌چنین در پیوند با مطالعات شهر اسلامی است. این بازنگری و آسیب‌زدایی می‌تواند همزمان به ایجاد سیاست‌های مؤثری در جهت افزایش کارآمدی و انعطاف‌پذیری وقف در جامعه و به ویژه در سطح شهرهای آن منجر گردد. در مجموع مطالعه حاضر نشان می‌دهد حضور وقف در شهر و باز زنده‌سازی مفهومی و عملیاتی آن، اثرات ارزش‌مندی را در سطوح گوناگون جامعه داشته و می‌توان در صورت برخورداری از نگاهی صحیح و هدف‌دار، بستر شکل‌گیری رابطه پایدار دو سویه بین وقف و شهرها را همانند تجارب اخیر کشورهای مسلمان، ایجاد و ارزش‌های خاموش موجود در شهرهای جامعه ایرانی را دوباره همراه با زمان جلوه‌سازی نمود.

1. Kisaichi
2. Mercier
3. Al-Moutabassir
4. Hoexter
5. Bonine
6. Machesney
7. Leeuwen
8. Akar
9. Adana
10. Bosworth
11. Yazbak
12. Yaffa
13. Fuṣṭat
14. Aleppo
15. Cash Waqf
16. Common Knowledge
17. Besim Selim Hakim
18. Dynamic Generative
19. Kuran
20. Duke
21. Public Goods
22. Hodgson
23. Ehlers
24. Floor
25. Ben Hamouche
26. Akbar
27. Murayama
28. Engin Isin
29. Millet System
30. Sidon
31. Transfer of Development Rights

فهرست منابع و مراجع

۱. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۳۵۹)، **المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک**، حیدرآباد دکن، دائره المعارف العثمانیه.
۲. اذکایی، پرویز (۱۳۸۱)، «وقف در ایران باستان»، **فصلنامه میراث جاویدان**، سال دهم، شماره ۳۷۳.
۳. الکیبسی، محمد عبید (۱۳۶۴)، **احکام وقف در شریعت اسلامی: فقهی، حقوقی و قضایی**، جلد دوم، اداره کل حج و اوقاف، تهران.
۴. بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، **شرح حال رجال ایران**، جلد اول، انتشارات زوار، تهران.
۵. بمانیان، محمدرضا؛ باقی، پرهام و امیرخانی، آرن (۱۳۸۷)، «رهیافتی بر نقش موقوفات در ساماندهی فضاهای شهری با نگاه ویژه بر موقوفات شهر اصفهان»، **فصلنامه مدیریت شهری**، دوره ۶، شماره ۲۱.
۶. پاننده، ابوالقاسم (۱۳۷۶)، **نهج الفصاحه**، انتشارات جاویدان، تهران.
۷. پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی نقش وقف در توسعه و ساماندهی فضایی شهرها؛ مطالعه موردی: شهر لالچین»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال سوم، شماره دوازدهم.
۸. پورمند، حسنعلی و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی نمود ارزش‌های اخلاقی در معماری سنتی شهرهای کویری ایران نمونه موردی: شهر یزد»، **فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی**، دوره ۶، شماره ۲.
۹. حاجی بابایی، احمد (۱۳۸۵)، **سیر تحول و توسعه املاک و مستغلات دانشگاه تهران**، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۱۰. داداش پور، هاشم؛ تقوایی، علی اکبر و قانع، نرگس (۱۳۹۳)، «بررسی ظرفیت توسعه میان‌افزا در فضاهای موقوفه شهری؛ مطالعه موردی: ناحیه ۳ منطقه ۲ شهر یزد»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال چهارم، شماره ۱۵.
۱۱. دانش، جابر (۱۳۸۸)، «همراهی وقف و تمدن اسلامی در فراز و فرود»، **فصلنامه میراث جاویدان**، سال هفدهم، شماره ۶۷.
۱۲. دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، **حیات یحیی**، جلد اول، انتشارات فردوسی، تهران.
۱۳. رواندی، مرتضی (۱۳۵۹)، **تاریخ اجتماعی ایران**، جلد چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۴. رضایی، محمدعلی (۱۳۸۲)، «نقش وقف در تأمین مسکن اقشار آسیب‌پذیر»، **فصلنامه مسکن و انقلاب**، شماره ۱۰۲.

۱۵. رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۰)، **بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران**، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۶. زیاری، کرامت‌الله و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی آسیب‌شناسانه ایرادات حاکم بر مطالعات شهر اسلامی»، **فصلنامه جغرافیا**، سال دوازدهم، شماره ۴۲.
۱۷. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۸)، **آسیب‌شناسی اجتماعی**، انتشارات آوای نور، تهران.
۱۸. سوری، حجت‌الله و یآوری، کاظم (۱۳۸۳)، «بررسی وضعیت بهره‌برداری اقتصادی از رقبات منفعتی اداره اوقاف جنوب شهر تهران»، **مجله نامه مفید**، شماره ۴۵.
۱۹. شاه حسینی، پروانه (۱۳۷۵)، «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران؛ دوره‌های قاجار و پهلوی»، **نشریه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۴۲.
۲۰. ----- (۱۳۸۹)، **تأثیرات وقف بر شهر تهران**، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیادانان جهان اسلام.
۲۱. ----- (۱۳۹۰)، «سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های تاریخی قاجار و پهلوی»، **فصلنامه جغرافیا و توسعه**، شماره ۲۵.
۲۲. شفق، سیروس (۱۳۷۶)، «وقف در اصفهان؛ پراکندگی جغرافیایی موقوفات و آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن»، **فصلنامه وقف میراث جاویدان**، شماره ۱۹ و ۲۰.
۲۳. شهابی، سید محمدرضا (۱۳۸۳)، «مبانی و چهارچوب نظری تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، دوره ۱۹، شماره ۱.
۲۴. صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴)، «مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی»، **فصلنامه راهبرد فرهنگ**، سال هشتم، شماره ۲۹.
۲۵. عابدی، احمد و شواخی، علیرضا (۱۳۸۹)، «مقایسه روش‌شناسی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری»، **فصلنامه راهبرد**، دوره ۱۹، شماره ۵۴.
۲۶. عاملی، احمد و خورسندی آقایی، احمد (۱۳۸۴)، **قنات در ایران**، مطالعه قنات‌های شهر تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۲۷. فلاحت، سمیه (۱۳۹۰)، «برساخت مفهوم شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، دوره ۱، شماره ۳.
۲۸. قدیری، بهرام (۱۳۶۹)، «احیاء فرهنگ وقف با هدف تسهیل در مجتمع‌های زیستی»، **نشریه صفا**، سال اول، شماره اول.
۲۹. کلانتری خلیل آباد، حسین؛ صالحی، سید احمد و رستمی، قهرمان (۱۳۸۹)، «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی: مطالعه موردی شهر اصفهان»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، سال اول، شماره اول.
۳۰. مهرافزون، محمد و دارایش، رضوان (۱۳۹۲)، «تبیین نقش خدمات وقف در توسعه شهر اصفهان»، **فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس**، سال پنجم، شماره ۱۵.
۳۱. نصرالهی، خدیجه و عبدلی سبجانی، منصور (۱۳۹۳)، «عوامل مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در تأمین مالی خدمات شهری از طریق بخش سوم، وقف (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال ششم، شماره ۲۳.
۳۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵)، **معماری و شهرسازی اسلامی؛ مبانی نظری**، چاپ اول، انتشارات راهیان، اصفهان.
۳۳. نوایی، عبدالحسین و نزهت، احمدی (۱۳۸۱)، «ساختار نهاد وقف در عصر صفوی»، **نشریه علوم انسانی الزهراء**، دوره ۱۲، شماره ۴۳.

53. Kuran, T. (2004), "Why the Middle East is Economically Underdeveloped: Historical Mechanisms of Institutional Stagnation", *Journal of Economic Perspectives*, 18(3).
54. Leeuwen, R. V. (1999), *Waqf and Urban Structures, The case of Ottoman Damascus*, Brill, Leiden.
55. Mohammad Moradi, A. & Jafarpour Nasser, S. (2011). *Muslim Pious Foundations as Urban Nucleuses during the Sustainable Development of Ilkhanid Cities: a case study of Tabriz*, 5th SASTech conference, Iran, Mashhad.
56. Pirbabaei, M.T. (2008), *Phenomenology of Waqf in material forming of Islamic cities*. In: 16th ICOMOS General Assembly and International Symposium: Finding the spirit of place – between the tangible and the intangible, 29 sept – 4 Oct 2008, Quebec, Canada.
57. Prior, L. (2008), "Repositioning documents in social research", *Sociology*, 42(5).
58. Sait, S. Lim, H. (2006), *Land, Law and Islam, Property and Human Rights in the Muslim World*, UN-HABITAT, ZED Books, London.
59. Sharifi, A. & Murayama, A. (2013), "Changes in the traditional urban form and the social sustainability of contemporary cities: A case study of Iranian cities", *Habitat International*, 38.
60. Stern, S. M. (1970), *The Constitution of the Islamic City*, in A. H. Hourani & S. M. Stern, eds., *the Islamic City*, Bruno Cassirer, Oxford.
61. Stibbard, P.; Russell, D. QC. & Bromley, B. (2012), "Understanding the waqf in the world of the trust", *Trusts & Trustees*, 18 (8).
62. Yerasimos, S. (1994), *Ôles waqfs dans l'Ôam.nage-ment urbain d'Ôstanbul au XIXe si-cle.Ô* In F. Bilici, ed., *Le Waqf dans le monde musulman contemporain (XIXe-XXe Islamic): fonctions slamic, conomiques et politiques, actes de la Table Ronde d'Ôstanbul, 13-14 novembre 1992*, (Istanbul: Institut Fran ais d'Ôtudes Anatoliennes).
34. Abul, H. & Abdus Shahid, M. (2010), *Management and Development of the Awqaf Assets*, Paper presented at the Seventh Tawhidi Epistemology: Zakat and Waqf Economy International Conference, Bangi.
35. Akbar, J. (1998), *Crisis in the built environment; The Case of the Muslim City*, Singapore: Concept Media.
36. Arjomand, S.A. (1998), *Philanthropy, the Law, and Public Policy in the Islamic World before the Modern Era*, in W. F. Ilchman, S. N. Katz & E. L. Queen II, eds., *Philanthropy in the World's Traditions*, Indiana Univ, Bloomington.
37. Barbero, Iker (2015), *Contesting Neo-orientalism: Terrorism Detentions, Migrant Activism, and the Claim for Justice*, In Isin, E. (Ed.), *Citizenship after Orientalism: Transforming Political Theory*, Palgrave Macmillan.
38. Ben-Hamouche, M. (2007), "Sustainability and Urban Management in Old Muslim Cities: the Role of pious Foundations", *Journal of King Saud University, Architecture & Planning*: 19 (2).
39. Ben-Hamouche, M. (2009), "Complexity of urban fabric in traditional Muslim cities: Importing old wisdom to present cities", *Journal of Urban Design International*, 14(1).
40. Cizakca, M. (1998), "Awqaf in history and its implications for modern Islamic economies", *Islamic economic studies*, 6(1).
41. Deguilhem, R. (2008), "The Waqf in the city", In Jayyusi, S. K., Holod, R., Petruccioli, A., & Raymond, A. (Eds.), *The city in the Islamic world*, Vol. 2, Leiden.
42. Ehlers, E. & Floor, W. (1993), "Urban change in Iran, 1920–1941", *Iranian Studies*, 26(3-4).
43. Gaudiosi, M. (1988), *Influence of Waqf on the Development*, University of Pennsylvania, Law Review.
44. Gerber, H. (1999), *Islamic Law and Culture, 1600-1840*, Leiden E. J. Brill, Netherlands.
45. Hakim, B. S. (1998), *urban form in traditional Islamic cultures: further studies needed for formulating theory*, *Cities*, 16(1), 51-55.
46. Hakim, B.S. (2007), "Generative processes for revitalizing historic towns or heritage districts", *urban design international*, 12(2).
47. Hodgson, M.G. S. (1974), *The venture of Islam: conscience and history in a world Civilization*, Volume 2, University of Chicago Press, Chicago.
48. Hoexter, M. (1998), "Waqf studies in the twentieth century: the state of the art", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 41.
49. Hoexter, M.; Eisenstadt, S. N. & Levtzion, N. (2002), *The public sphere in Muslim societies*, state university of New York press.
50. Isin, E.F. (2011), *Ottoman waqfs as acts of citizenship*, In: Gazaleh, P. (Ed.), *Held in Trust: Waqf in the Islamic World*, American University in Cairo Press.
51. Kisaichi, M., (1994), *the Maghrib*. In M. Haneda and T. Miura, editors, *Islamic Urban Studies: Historical Review and Perspectives*. New York, NY: Kegan Paul, 11-82.
52. Kuran, T. (2001), "The Provision of Public Goods under Islamic Law: Origins, Impact, and Limitations of the Waqf System", *Law & Society Review*, 35(4).